

ماه بانو

نویسنده: ع. میرزاواه (ناخدا)

ناشر: مؤلف

تهران، ۱۳۹۶

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمار نسخه‌های این چاپ: ۱۱۰۰

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

ویراستار: فاطمه حاجی آقازاده
حروفچین و صفحه‌آرا: مریم یوسفی
چاپ و صحافی: چاپخانه نیروی دریایی
بها: ۲۵۰/۰۰۰ ریال

abbass@kheir-khah.com

www.kheir-khah.com

تمامی حقوق محفوظ است

تلفن: ۰۹۱۲۲۰۲۷۶۷۹

سرشناسه: خیرخواه، عباس، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: خیرخواه (ناخدا)؛
ویراستار: فاطمه حاجی آقازاده.
تهران: عباس خیرخواه، ۱۳۹۴.
۱۹۹ ص.
شابک: ۵۷۸-۶۵۰-۰۴-۳۸۰۹-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۱
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ م ۲۴ ی ۴۲۷ / P R ۸
رده‌بندی دیویی: ۸۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۰۶۷۰۷

دفتر مرکزی و مرکز توزیع

سعادت آباد، میدان کاج، میدان فرهنگ، انتهای بیست و چهار متری،

خیابان شبو شرقی، پلاک ۳۲، تلفن: ۲۲۰۷۷۳۴۶ / ۰۹۱۲۲۰۲۷۶۷۹

فهرست مطالب

۱	یاد و سپاس
۳	مقدمه
۷	پیشگفتار
۹	فصل ۱: آشنایی با جوانمرد
۱۵	فصل ۲: پری دل
۴۵	فصل ۳: خواستگار
۶۳	فصل ۴: کمند حادثه
۷۳	فصل ۵: شکوه و ماه بانو
۹۹	فصل ۶: سراب آرزو
۱۱۱	فصل ۷: بازی سرنوشت
۱۱۹	فصل ۸: استقامت و پایداری
۱۳۱	فصل ۹: یار غائب
۱۵۷	فصل ۱۰: استقبال باشکوه
۱۶۷	فصل ۱۱: مادر جون
۱۷۷	فصل ۱۲: قلب بیمار مادر جون
۱۸۳	فصل ۱۳: یک دل و صد آرزو
۱۹۳	فصل ۱۴: معنی خوشبختی و سعادت



مقدمه

آقا جلال پهلوان جوانمردی، رد که مدیریت کارگاه پوشاکی را برعهده و در بازار تهران حضور داشت. او در کسب و کارش موفق و علی رغم این که درس و سال از دواج بود، اما زیر بار ازدواجی که مادرش برای او تدارک می دید نمی رفت و براین عقیده بود که باید خودش در این امر مهم حل باشد و به ندای دلش گوش دهد، نه به خواست و سلیقه مادرش. برای آقا جلال زیبایی و ثروت و اسم و رسم ملاک نبود. او مهر و محبت و عشق و تفاهم را عامل خوشبختی و دوام و

بقای زندگی می دانست.

آقا جلال در این فکر و خیال بود که برحسب اتفاق عکسی از برادرزاده یکی از کارکنانش را که پری نام داشت می بیند. دل از دست می دهد و سخت شیفته و خاطرخواه او می شود و به رغم مخالفت های سرسختانه ای که مادر و خواهرانش اراز می کنند، نیت خود را عملی می کند. آقا جلال از همسر جوان و زیبایش صاحب سه فرزند دختر و سه فرزند پسر می شود که یکی از دخترها زیبارویی بود به نام بانو که از هوش و شادمانی برخوردار بود. ماه بانو بر اثر سانحه به طور معجزه آسایی به آن سالم به در می برد و توسط مرد سودجو و فرصت طلبی ربوده می شود. اما همسر مرد رباینده که در نگاه اول مهربانو به دلش می نشیند او را ماه بانو می نامد و با سعی و تلاش و فداکاری موجب می شود تا او را از چنگ شوهر ناجوانمردش که قصد فروش او را داشته بود، نجات دیگری داشت، درآورد و به آغوش خانواده اش بازگرداند. ماه بانو همین که به سن هفت سالگی می رسد به مدرسه می رود و تحصیلات خود را تا مقطع دبیرستان ادامه می دهد. هرچند ماه بانو علاقه مند بود که به تحصیلات خود ادامه

دهد و پزشک حاذقی شود، اما بر اثر مخالفت خانواده از ادامه تحصیل بازمی ماند و به ناچار به خانه شوهری پا می گذارد که کمترین علاقه ای نسبت به او در خود احساس نمی کند. سال ها بدین منوال می گذرد و ماه بانو بر اثر حادثه ای شه سریدبین و بدرفتار خود را از دست می دهد و از قید و بند او رها می شه د.

ماه بانو از آن پس با سعی و کوشش و تلاش و پشتکاری که از خود نشان می دهد، سرانجام موفق می شود ضمن نگهداری از خود و فرزندان خردسالش به آرزوی دیرینش که همانا ادامه تحصیل بود، برسد.

اتفاق جالب دیگری که در زندگی ماه بانو روی می دهد، دیدار غیرمنتظره شکوه، همسر مادر زاینده است که او را شگفت زده می کند.

ماه بانو از این دیدار ناباورانه در شگفت می افتد و به این فکر می افتد که گذشت و فداکاری شکوه را که منجر به نجات او شده بود جبران نماید و شکوه را که نیاز به کمک و محبت او داشت بی نیاز کند و او را به اوج عزت و احترام برساند.